

تحلیل انتقادی کتاب عصر الدّول والإمارات: الأندلس

علی اصغر روان‌شاد*

چکیده

کتاب *عصر الدّول والإمارات: الأندلس*، اثر شوقی ضیف نویسنده نام‌دار ادبیات عربی، درباره تاریخ ادبیات عربی در اندلس است. مؤلف در این اثر کوشیده است تا پس از بیان مقدماتی درباره سیاست، اجتماع، و فرهنگ به ادبیات عربی در اندلس بپردازد و به ذکر شواهد تاریخی، شعری، و نثری و تجزیه و تحلیل این شواهد اقدام کند. این مقاله با روش توصیفی - تحلیلی جنبه‌های گوناگون شکلی و محتوایی این اثر را نقد و بررسی کرده است. یافته‌های تحقیق بیان‌گر انشای شیوا، فصیح، و بلیغ مؤلف و توانمندی و اشراف وی بر تاریخ ادبیات اندلس است. مؤلف در مسیر نگارش تاریخ ادبیات با داشتن یک طرح به اسباب و زمینه‌های سیاسی، اجتماعی، و فرهنگی مؤثر در پیدایش و رشد ادبیات اندلس آن هم در چهارچوب تاریخی اهتمام می‌ورزد. از سوی دیگر، برخی از نارسایی‌ها در زمینه مؤلفه‌های جامعیت صوری، ایرادات نگارشی، ویرایشی، و محتوایی در این کتاب دیده می‌شود که رفع این موارد می‌تواند بر ارزش و سودمندی آموزشی و پژوهشی آن بیفزاید.

کلیدواژه‌ها: تاریخ ادبیات عربی، *عصر الدّول والإمارات: الأندلس*، شوقی ضیف، ادبیات اندلس.

* استادیار زبان و ادبیات عربی، دانشگاه یزد، ravanshada@yazd.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۲/۱۷، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۶/۱۲

۱. مقدمه

شوقی ضیف (۱۹۱۰-۲۰۰۵ م)، از محققان پرکار و نام‌دار عرب، در زمینه تاریخ ادبیات عربی دست‌توانایی دارد و آثار ارزش‌مندی را به جامعه علمی عرضه داشته است. آثار هم‌چون *العصر الجاهلی، العصر الإسلامي، العصر العباسی الأول، العصر العباسی الثانی، عصر الدّول والإمارات: الجزیره العربیه - العراق - ایران، عصر الدّول والإمارات: مصر والشّام، عصر الدّول والإمارات: الأندلس* بیان‌گر اشراف خوب مؤلف بر دوره‌های مختلف تاریخ ادبیات عربی و دانش گسترده وی است.

کتاب اخیر یکی از آثار مؤلف است که درباره تاریخ ادبیات عربی در اندلس تألیف شده است. در زمینه تاریخ ادبیات عربی در سرزمین اندلس آثار بااهمیت دیگری نیز به چشم می‌خورد؛ از جمله *تاریخ الأدب الأندلسی: عصر سیاده قرطبه اثر احسان عبّاس، الأدب الأندلسی: موضوعاته وفنونه تألیف مصطفی الشّکعه، الأدب العربی فی الأندلس نوشته عبد العزیز عتیق، الأدب الأندلسی: التطّور والتّجدید اثر محمد عبدالمنعم خفاجی، فی الأدب الأندلسی تألیف محمّد رضوان الدّابیه، الأدب العربی فی الأندلس: تاریخ ونصوص نوشته محمدعلی آذرشب، و تاریخ الأدب العربی فی الأندلس اثر علی‌باقر طاهری‌نیا و سیدمهدی مسبوق*. وجود این آثار متعدد بیان‌گر اهمیت تاریخ ادبیات اندلس و جایگاه والای آن در بین پژوهش‌گران عرب و ایران است. از این‌رو، این پژوهش قصد دارد به نقد و بررسی جنبه‌های گوناگون شکلی و محتوایی کتاب *عصر الدّول والإمارات: الأندلس* تألیف شوقی ضیف بپردازد که اثری سودمند در زمینه تاریخ ادبیات عربی در اندلس است.

۱.۱ ضرورت، اهمیت، هدف پژوهش

نظر به توان‌مندی درخورستایش شوقی ضیف در زمینه نگارش تاریخ ادبیات عربی و تألیف آثاری ماندگار در این زمینه از یک‌سو و از سوی دیگر باتوجه‌به جایگاه والای ادبیات اندلس در پهنه ادبیات عربی و اهمیت شناخت این ادبیات با گستره تاریخی و جغرافیایی خود و تبیین اسباب و عوامل پیدایش و رشد آن ضرورت دارد کتاب *عصر الدّول والإمارات: الأندلس* تألیف این محقق، که اثری شایسته در زمینه تاریخ ادبیات عربی در اندلس است، نقد و ارزیابی شود. از این‌رو، هدف از انجام این پژوهش بررسی و نقد جنبه‌های گوناگون شکلی و محتوایی این اثر است.

۲.۱ پیشینه پژوهش

درباره شوقی ضیف و آثار وی پژوهش‌های متعددی نگاشته شده است؛ از جمله «الذکری السنویہ الأولى لرحیل آخر العلماء الموسوعیین الأستاذ الدكتور شوقی ضیف» (۱۴۲۷ ق) اثر سامی مکّی العانی که در شماره ۱۱۹ مجله *المجمع العلمی العراقي* چاپ شده است. نویسنده این مقاله را به مناسبت اولین سالگرد وفات شوقی ضیف درباره وی نوشته است. «شوقی ضیف، نگاهی نو به میراث ادب عربی» (۱۳۸۵) نوشته شکوه السادات حسینی که در شماره ۵ مجله *الجمعیة العلمیة الایرانیة للغة العربیة و آدابها* منتشر شده است. نویسنده در این مقاله ابتدا عوامل مؤثر در تکوین شخصیت علمی شوقی ضیف را بررسی کرده، سپس اجمالاً سبک نوشتاری و شیوه‌های نگارش این ادیب را بیان کرده است. «فی الدّفاع عن نهج البلاغه والرّد علی شبهات الدكتور شوقی ضیف» (۱۳۸۹) تألیف تورج زینی‌وند که در شماره ۱۷ مجله *العلوم الإنسانیة الدّولیة* چاپ شده است. نویسنده در این مقاله به دفاع از نهج البلاغه و رد شبهات شوقی ضیف اقدام کرده است. «سیمای فرهنگ و ادب فارسی در پرتو اندیشه‌های نقدی دکتر شوقی ضیف» (۱۳۹۳) اثر تورج زینی‌وند و همکاران که در شماره ۲۵ مجله *مطالعات ایرانی* منتشر شده است. نویسندگان در این مقاله فرهنگ و ادبیات فارسی را در پرتو اندیشه‌های نقدی این ادیب عربی بررسی کرده است. همان‌طور که ملاحظه می‌شود در زمینه بررسی و نقد جنبه‌های گوناگون شکلی و محتوایی کتاب *عصر الدول والإمارات: الأندلس*، تألیف شوقی ضیف، پژوهشی انجام نشده است و این پژوهش قصد دارد که خلأ در این زمینه را پر کند.

۳.۱ پرسش‌های پژوهش

۱. مزایا و معایب شکلی کتاب *عصر الدول والإمارات: الأندلس* چیست؟
۲. کتاب *عصر الدول والإمارات: الأندلس* چه ویژگی‌های مثبت و کاستی‌های محتوایی دارد؟
۳. میزان مطابقت این اثر با سرفصل‌های مصوب وزارت علوم چگونه است؟

۴.۱ روش پژوهش

نقد و بررسی کتاب *عصر الدول والإمارات: الأندلس* به درخواست شورای بررسی متون پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی وزارت علوم صورت گرفته است. بنابراین،

باتوجه به چهارچوب موردنظر این شورا، که شامل سؤالاتی درباره جنبه‌های گوناگون شکلی و محتوایی اثر است، کتاب حاضر با روش توصیفی - تحلیلی بررسی و نقد شده است.

۲. بحث

۱.۲ معرفی مؤلف

احمد شوقی بن عبدالسلام ضیف، معروف به شوقی ضیف، در روستای اولاد حمام از استان دمياط مصر در سال ۱۹۱۰ م متولد شد. او در ده‌سالگی کل قرآن را حفظ کرد. شوقی ضیف پس از اتمام مدرسه در سال ۱۹۳۰ م به بخش زبان عربی دانشکده ادبیات در دانشگاه قاهره راه یافت و نزد استادانی از جمله طه حسین، احمد امین، امین خولی، و عبدالوهاب عزام درس خواند. وی پایان‌نامه خود را در مقطع کارشناسی ارشد با عنوان *النقد الأدبی فی کتاب الأغانی للأصفهانی* با راهنمایی احمد امین به پایان رسانید و دوره دکتری را با نگارش رساله‌ای با عنوان *الفن ومذاهبه فی الشعر العربی*، با راهنمایی طه حسین، گذراند (العانی ۱۴۲۷: ۲۶۸-۲۶۹). شوقی ضیف طی عمر خود مناصب متعدد علمی و ادبی داشت و جوایز متعددی نیز کسب کرد. وی آثار زیادی را در زمینه‌های گوناگون از جمله تاریخ ادبیات، نحو، نقد، بلاغت، تحقیق متون، اسلام، و قرآن نگاشته است. «بارزترین ویژگی‌های این آثار عبارت است از موسوعیت و شمولیت آن، عمق افکار و اندیشه‌ها، تحلیل و نقد، دقت در روش تحقیق و دوری از گردآوری و نقل صرف آرای دیگران و...» (همان: ۲۷۷). سرانجام، شوقی ضیف در سال ۲۰۰۵ م در ۹۵ سالگی دیده از جهان فروبست (همان: ۲۶۹).

۲.۲ معرفی کلی کتاب

کتاب *عصر الدول والإمارات: الأندلس* از مجموعه کتاب‌های تاریخ ادبیات عربی اثر شوقی ضیف در سال ۱۹۸۹ م در انتشارات دارالمعارف قاهره در ۵۵۰ صفحه با قطع وزیری چاپ شده است. موضوع این کتاب تاریخ ادبیات عربی در اندلس است. این کتاب یک مقدمه، پنج فصل، و یک خاتمه است. فصل اول از شش موضوع اصلی ولی سایر فصل‌ها از پنج موضوع تشکیل شده است. عناوین و مباحث پنج فصل کتاب به این صورت است: فصل اول به سیاست و جامعه می‌پردازد، فصل دوم به فرهنگ اختصاص دارد، موضوع فصل سوم نشاط شعر و شاعران است، فصل چهارم به گروه‌های دیگری از شاعران اختصاص دارد و فصل پنجم نثر و نویسندگان را بررسی می‌کند.

۳.۲ جنبه‌های شکلی اثر

۱.۳.۲ طرح جلد

طرح روی جلد اثر از اشکال هندسی مشبک تشکیل شده و در بخش بالای این اشکال عنوان تاریخ الأدب العربی به صورت عمودی، یعنی ابتدا «تاریخ» و پس از آن «الأدب» و در آخر «العربی»، قرار گرفته است. در قسمت وسط روی جلد در یک مربع رنگی نام مؤلف و قبل از آن کلمه «دکتور» آمده است و زیر آن عنوان عصر الدول والإمارات الأندلس به صورت عمودی، یعنی ابتدا «عصر»، سپس «الدول والإمارات»، و در آخر «الأندلس» ذکر شده است. در قسمت پایین و در گوشه سمت چپ کادر رنگی نشان ناشر آمده و زیر آن، خارج از کادر رنگی، اسم ناشر یعنی «دار المعارف» ذکر شده است. اشکال هندسی به هم پیوسته می‌تواند بیانگر ارتباط و پیوستگی اسباب و عواملی باشد که دست‌به‌دست هم داده و زمینه‌ساز پیدایش و رشد ادبیات عربی شده است و در عین حال، با روزه‌های خود راه را برای ارتباط این ادبیات با جهان خارج از آن گشوده است. کادر رنگی نیز می‌تواند بیانگر جایگاه معین و درخشان ادبیات اندلس در گستره ادبیات عربی باشد که مشخصاً در این کتاب بررسی شده است. ترتیب عنوان کتاب به صورت عمودی می‌تواند بیانگر ترتیب تاریخی ادبیات عربی باشد که با سابقه دیرین خود از روزگاران کهن شروع شده و تا عصر دول و امارات ادامه یافته و سرانجام در این کتاب به اندلس ختم شده است.

۲.۳.۲ حروف‌نگاری، صفحه‌آرایی، صحافی

مشخصات روی جلد کتاب در صفحه اول آن نیز آمده است. در صفحه دوم فقط در پایین صفحه یک خط کشیده شده و زیر آن برخی از مشخصات ناشر ذکر شده است که می‌توان این مشخصات را در صفحه اول آورد. در صفحه سوم، عنوان «عصر الدول والإمارات: الأندلس» ذکر شده که آوردن این صفحه ضرورت نداشته است.

در این اثر عنوان هر فصل در صفحه جدا نمی‌آید. بلکه در صفحه شروع فصل، از بالا به ترتیب و به صورت عمودی و وسط‌چین مرتبه و شماره فصل، عنوان آن، و یک عدد می‌آید که این عدد بیانگر شماره مبحث اصلی آن فصل است. پس از این‌ها، عنوان اصلی مبحث در سمت راست صفحه می‌آید و پس از آن مطالب کتاب شروع می‌شود. فقط در فصل سوم عنوان جزئی‌تر بعد از عنوان مبحث اصلی قرار گرفته و تکرار بخش اول آن

است. اندازه عنوان جزئی‌تر نیز با عنوان مبحث یکی است. عناوین جزئی‌تر کتاب دارای حروف الفباست که این حروف بین پرانتز آمده است. نام عناوین درشت‌تر از متن اصلی است و با سطر قبل از خود فاصله دارد.

تنظیم و چینش سطرهای این اثر مناسب و مطلوب است و بین سطرها فاصله مناسب رعایت شده است. پاراگراف‌ها تورفتگی دارد و فاصله بین پاراگراف‌ها بیش‌تر از فاصله بین سطرهاست. در برخی از موارد پاراگراف‌های یک‌صفحه‌ای دیده می‌شود؛ از جمله (ص ۷۱، ۱۲۹، ۵۲۷). آوردن پاراگراف‌های یک‌صفحه‌ای ممکن است باعث شود که مخاطب رشته کلام را از دست بدهد و قرائت اثر برای وی ملال‌آور شود. اگر در چاپ‌های بعدی کتاب این پاراگراف‌های طولانی به چند پاراگراف تقسیم شود، بر جذابیت صفحات اثر می‌افزاید و از خستگی و ملالت خواننده می‌کاهد. اشعار کتاب منظم تایپ شده و حرکات مهم آن گذاشته شده است.

غالباً در اول هر مبحث یا در ادامه آن منابع متعددی در پانویشت معرفی شده است. مطالب پانویشت با شماره و در دو ستون ذکر شده است. آوردن پانویشت‌ها در دو ستون از شلوغی آن می‌کاهد و کم‌تر باعث خستگی می‌شود (ص ۲۹۵، ۳۹۸، و ۴۲۹). صفحات کتاب از هر چهار طرف حاشیه سفید دارد. شماره صفحات بدین صورت است که شماره اولین صفحه هر فصل در پایین صفحه و شماره سایر صفحات در بالای صفحه در قسمت گوشه بیرونی می‌آید.

سرانجام این‌که با بررسی کتاب حاضر درمی‌یابیم که حروف‌نگاری و نوع خط آن خوانا، واضح، و مناسب کتاب آموزشی و پژوهشی است و صحافی خوب و قابل‌قبولی دارد.

۳.۳.۲ قواعد عمومی نگارش و ویرایش

درکل، قواعد عمومی نگارش و ویرایش در این اثر به‌طور معمول رعایت شده است. برخی از نارسایی‌ها در این زمینه عبارت است از عدم حرکت‌گذاری برخی از اعلام یا حرکت‌گذاری ناقص این اعلام (مانند سطرهای ۷، ۱۱-۱۴ از مطالب زیرعنوان ص ۱۳، سطر ۶ ص ۳۳، سطر ۴ ص ۱۶۹، سطر ۱۷ ص ۲۲۳)، نداشتن تنوین (سطرهای ۱-۴ ص ۲۱۹، سطرهای ۲۰-۲۳ ص ۲۲۴)، نداشتن تشدید (بیت ۶ و سطر ۹، ص ۳۹۰)، نداشتن دو نقطه زیر یاء در کل اثر، ناهماهنگی در استفاده از «م» و «ه» یا «للمیلاد» و «للهجره» برای سال‌های میلادی و هجری (سطرهای ۱-۳ و ۱۵-۱۶ از مطالب ابن‌فرمان ص ۱۶۸)، و رعایت‌نکردن برخی از علائم سجاوندی، برای نمونه برخی از گیومه‌ها باز شده، ولی بسته

نشده است (سطر ۲۰ ص ۸۷ سطر ۲ ص ۱۳۹) و برخی از کتاب‌ها داخل گیومه آمده، ولی برخی دیگر بدون گیومه است (سطرهای ۴ و ۸ ص ۸۲ بند ۲ ص ۱۴۰).

در این اثر، اغلاط چاپی نسبت به حجم حروف، کلمات، جمله‌ها، و صفحات آن زیاد نیست. برخی از اغلاط چاپی عبارت است از «کان» به صورت «کان» (سطر ۹، ص ۱۹۳)، آمدن حرکت ضمّه روی «واو» به صورت «وَأَحْرَقَتْ» (سطر ۱۴، ص ۴۴۹)، قرارگرفتن تشدید و فتحه یاء روی الف در «فَيَأْضُ» که به صورت «فَيَأْضُ» آمده است (بیت ۴، ص ۳۹۰)، آمدن تنوین در غیرموضع خود از جمله در «عَزَّ» که مضاف الیه به صورت «عَزَّ» ذکر شده است (سطر ۵، ص ۴۷۸).

ازسوی دیگر، باتوجه به این که نویسنده عرب‌زبان است و یکی از محققان مشهور و مطرح در زمینه ادبیات عربی به‌شمار می‌رود، این اثر درکل روان و رساست.

۴.۳.۲ جامعیت صوری اثر

کتاب *عصر الدّول والإمارات: الأندلس* برخی از مؤلفه‌های جامعیت صوری را دارد و از برخی دیگر بی‌بهره است. این کتاب مؤلفه‌هایی از قبیل فهرست اجمالی مطالب، مقدمه کلی، بیان هدف اصلی اثر به صورت ضمنی، پانوشت برای معرفی منابع و شرح واژه‌های دشوار متن، و جمع‌بندی یا خلاصه کلی مطالب را دارد. ازسوی دیگر، کتاب حاضر شاخص‌هایی از جمله فهرست تفصیلی مطالب، مقدمه در اول هر فصل، خلاصه در پایان آن، تمرین، آزمون، جدول، تصویر، نمودار، نقشه، نتیجه‌گیری و پیش‌نهادها، نمایه اعلام، آیات، روایات، واژه‌نامه، اشعار، و فهرست منابع پایانی را ندارد. هرچند در ابتدای هر فصل از این کتاب مقدمه‌ای نیامده، اما این اثر مقدمه‌ای هشت صفحه‌ای در آغاز دارد که به معرفی هر فصل می‌پردازد.

۴.۲ جنبه‌های محتوایی اثر *تعالی جامع علوم انسانی*

۱.۴.۲ نظم منطقی و انسجام مطالب در کل اثر و هر فصل

قبل از فصول پنج‌گانه کتاب مقدمه آمده و در آن فصل‌های کتاب معرفی شده است. فصل اول باعنوان «السیاسة والمجتمع» به سیاست و جامعه اختصاص دارد و قبل از این دو به صورت مختصر وضعیت جغرافیایی و انسانی اندلس بررسی شده است. فصل دوم باعنوان «الثقافة» به مسائل فرهنگی تعلق دارد. در فصل سوم باعنوان «نشاط الشعر والشعراء» به نشاط شعر و شاعران این دوره برحسب اغراض شعری و نوآوری‌های آنان پرداخته

شده است. فصل چهارم با عنوان «طوائف من الشعراء» به سایر اغراض شعری و شاعران برجسته در این اغراض اختصاص دارد. فصل پنجم با عنوان «النثر و کتابه» به نثر و نویسندگان اختصاص دارد. بنابراین، مؤلف با داشتن یک طرح و نقشه راه در مسیر نگارش تاریخ ادبیات و با پرداختن به اسباب، عوامل، و زمینه‌های سیاسی، اجتماعی، و فرهنگی، که در پیدایش و رشد ادبیات اندلس نقش داشته است، آن هم در چهارچوبی تاریخی، باعث شده عناوین کلی اثر تسلسل داشته باشد و مطالب آن نیز از نظم منطقی و انسجام برخوردار باشد.

از طرف دیگر، در این اثر نظم منطقی و انسجام مطالب در هر فصل به‌طور کلی رعایت شده است. هر فصل از فصول پنج‌گانه کتاب عنوان و هر عنوان عناوین فرعی دارد. هر عنوان فرعی ریزعنوان دارد. ریزعنوان‌ها در جهت تکمیل عنوان‌های فرعی و عناوین فرعی مکمل عنوان اصلی فصل و در پیوند با نتیجه اثر است، اما در برخی از فصول برخی از عنوان‌های فرعی دیده می‌شود که دقیقاً در قسمت ریزعنوان‌ها تکرار شده است. از آن جمله است:

(شماره ۲ از فصل اول) که چنین آمده است:

الفتح - عصر الولاة که ریزعنوان‌های آن چنین است: أ- الفتح ب- عصر الولاة؛

(شماره ۲ از فصل دوم) که این‌گونه است:

علوم الأوائل - الفلسفه - علم الجغرافیا که ریزعنوان‌های آن است:

أ- علوم الأوائل ب- الفلسفه ج- علم الجغرافیا.

۲.۴.۲ منابع اثر و میزان دقت در استنادات و ارجاعات

در این کتاب از منابع معتبر و متعددی استفاده شده است. از آثاری که نویسندگان اندلس درباره سرزمینشان نوشته‌اند تا آثاری که سایر محققان عرب از جمله خود این مؤلف در دیگر سرزمین‌های عربی در این زمینه نگاشته‌اند. از منابع اصلی و قدیمی تا مراجع جدید. در این میان، آرا و نظرهای نویسندگان اروپایی نیز به چشم می‌خورد. در بین منابع برخی از منابع جدید از جمله مقالات نیز مشهود است (پانوشت‌های ص ۱۳، ۱۶، ۳۵، ۳۹، ۴۲، ۴۶، ۵۰، ۵۳، ۵۵، ۶۰، ۷۴، ۷۸، ۸۱، ۹۱، ۱۰۲، ۱۲۳، ۱۹۰).

از سوی دیگر، در این اثر از منابع موجود و جدید برای تبیین موضوعات مورد بحث به قدر کفایت استفاده شده است. در بین منابع کفه منابع کهن بر منابع جدید سنگینی

می‌کند. باتوجه‌به این‌که موضوع کتاب تاریخ ادبیات اندلس است و بررسی ادبیات این سرزمین در گستره تاریخ و زمان‌های پیشین صورت گرفته، بدیهی است که منابع کهن در اولویت قرار بگیرد.

در این کتاب با شروع هر مبحث یا در ادامه آن منابعی در پانویشت کتاب با ذکر شماره صفحه و در صورت وجود شماره جلد آن می‌آید. برای برخی از منابع مؤلف، ناشر، مکان نشر، و محقق کتاب یا برخی از این‌ها می‌آید (پانویشت‌های ص ۱۶، ۲۰، ۲۳، ۳۵، ۳۹، ۶۰، ۶۳).

از طرف دیگر، برای برخی از مطالب نقل شده، چه نقل مستقیم و چه نقل غیرمستقیم، در متن اثر نام مؤلف ذکر می‌شود، اما از ذکر صفحه منبع چه در متن و چه در پانویشت آن صفحه خودداری شده و به آن صفحه ذکر شده در شروع مبحث یا در خلال آن اکتفا می‌شود. البته، در بعضی از مواقع ذکر شماره جلد منبع در متن اثر دیده می‌شود (بیت اول ص ۲۱۸، بند ۱ ص ۳۱۹، سطر ۷ و بند ۲ ص ۳۸۹، سطر ۱۶ ص ۳۹۱). در مواردی هم القابی مانند «دکتر»، آن هم به دو صورت متفاوت «الدكتور» و «د» برای برخی از صاحبان آثار ذکر شده که به ذکر آن نیازی نبوده است (پانویشت‌های ص ۱۰۲-۱۰۴). نکته دیگر این‌که، برای برخی از مطالب منقول گیومه باز شده، ولی این گیومه بسته نشده است و پایان آن مشخص نیست (سطر ۲۰ ص ۸۷، سطر ۲ ص ۱۳۹). در برخی از شواهد شعری و نثری نیز ذکر نشدن منبع یا ذکر نکردن به موقع منبع دیده می‌شود. ذکر نکردن به موقع منبع بدین صورت است که همان منبع یا منابعی را که غالباً در ابتدای هر مبحث یا در خلال آن (قبل از اشعار) معرفی شده به عنوان منبع اشعار در نظر بگیریم (ص ۱۹۱-۱۹۳). برخی از ارجاعات کلی و غیردقیق نیز بدون ذکر شماره صفحه یا جلد آمده که عبارت است از ارجاع به بخشی از یک اثر یا کل آن از جمله ارجاع به خود این کتاب (سطر ۷ ص ۸۶، پانویشت‌های ص ۱۱۸-۱۱۹، سطر ۲ و سطر آخر ص ۳۲۷، سطر ۱۰ ص ۳۸۹)، ارجاع به دیگر آثار مؤلف (سطر ۱۵ ص ۱۹۳، سطر ۱ زیرعنوان ص ۲۲۲)، و ارجاع به آثار دیگران (پانویشت‌های ص ۳۶۱، ۴۶۷، ۵۳۰).

درباره کیفیت رعایت امانت در این اثر نیز باید گفته شود که بسیاری از مطالب کتاب نتیجه مطالعه، تحقیق، و تدبر مؤلف در آثار و منابعی است که در دسترس وی بوده است؛ بنابراین، این کتاب مانند دیگر آثار نویسنده فقط تألیف صرف نیست و نباید انتظار داشت فقط به نقل سخن دیگران اکتفا کند. اما مؤلف در برخی از موارد به مطالب و موضوعاتی می‌پردازد که به صورت صریح منبع این موضوعات را ذکر نکرده یا این‌که بیش‌تر به ذکر

گوینده سخن اکتفا کرده است (مانند بند ۲ ص ۸۸ بندهای ۲-۳ ص ۲۹۴، ص ۴۴۹-۴۵۱). نکته آخر این که در پایان کتاب فهرست منابع نیامده است.

۳.۴.۲ روبگرد و روش نقدی نویسنده

ادبیات اندلس و تاریخ آن به تأثیر از محیط اندلس و ادبیات عربی در شرق در دوره‌ای طولانی، هشت قرن، شکل گرفته است. اگر بیان چنین مطالبی در این گستره زمانی در کتابی چندجلدی قرار می‌گرفت، طبعاً حق مطلب بیش‌تر و بهتر ادا می‌شد. باوجوداین، مؤلف در اثر ۵۵۰ صفحه‌ای خود توانسته است به بیان تاریخ ادبیات اندلس و نقد و تحلیل مطالب بررسی علمی «مسئله» یا مسائل موردنظر خود پردازد. از طرف دیگر، ارائه انبوهی از مطالب درباره تاریخ ادبیات اندلس و نقد و تحلیل آن در یک جلد کار را برای خواننده، به‌ویژه دانشجویان، آسان می‌کند و با کمبود وقت گریبان‌گیر بسیاری از استادان و دانشجویان امروزه بیش‌تر سازگار است. بنابراین، کیفیت تحلیل و بررسی‌های صاحب اثر خوب و قابل قبول است. متن اثر دربردارنده نقد آرا و نظریات دیگران است. مؤلف هر جا که ضرورت اقتضا کند، به ذکر نظر دیگران اقدام می‌کند و آن نظرها را در صورتی که صحیح بداند تأیید و در غیر این صورت رد می‌کند (بند ۳ ص ۶۸، ص ۴۷۲).

کتاب حاضر را محقق عرب‌زبان و مسلمان از مصر نوشته که به بررسی و تحلیل تاریخ ادبیات عربی در حوزه جغرافیایی اندلس اقدام می‌کند. مؤلف در این کتاب از مقدمات شروع می‌کند و با ذکر شواهد متعددی به تجزیه و تحلیل می‌پردازد. در کل، وی با بیان نقاط قوت و ضعف این ادبیات اثر ادبی خود را به جامعه علمی عرضه می‌کند.

۴.۴.۲ میزان نوآوری و ارزش علمی اثر

این اثر ارزش علمی بالایی دارد و در آن نوآوری‌های زیادی به چشم می‌خورد. برخی از این نوآوری‌ها عبارت است از مقایسه‌هایی که مؤلف بین شاعران یا نویسندگان این ادبیات با ادبیات عربی در شرق انجام می‌دهد و در صورت لزوم تأثیر ادبیات عربی در مشرق‌زمین را بر ادبیات اندلس تبیین می‌کند (بند ۳ ص ۱۹۳، بندهای ۲-۳ ص ۲۹۴، بند ۲ ص ۴۵۷، ص ۵۲۳). از دیگر نوآوری‌های این کتاب بیان تأثیر ادبیات عربی به صورت عام و تأثیر ادبیات اندلس به صورت خاص بر ادبیات اروپاست از جمله تأثیر عشق عذری^۱ بر ادبیات اسپانیایی و فرانسوی و ظهور این عشق در قصه دُن کیشوت^۲ (*Don Quichotte*) اسپانیایی و شعرای «تروبادور»^۳ (Troubadour) فرانسه (بند ۳ ص ۲۶۲)، یا تأثیر مقامات بر ادبیات اسپانیا بدین

صورت که مقامات عربی، از جمله مقامات حریری و سرقسطی، در روایت پیکارسک^۴ (*Picaresque Narrative*)، که قهرمانی به نام «پیکارو» (*Picaro*) داشته، اثری واضح گذاشته است (بند ۳ ص ۵۲۶). یا این که کتاب *طوق الحمامه* ابن حزم بر ادبیات لاتین به‌ویژه در ادبیات اسپانیا تأثیر داشته است (بند ۱ ص ۵۰۰).

اشاره به برخی از نکات تازه و جالب توجه از جمله پایه‌گذاری مرکزی برای ضرب سکه و درّهم، تشکیل هیئت دولت، و تعیین وزیرانی برای امور مختلف در ایام «عبدالرحمن اوسط» (ص ۲۸)، رشد فلسفه در اندلس و تأثیر چشم‌گیر آن در غرب (ص ۸۲-۸۸)، پرداختن به علت روی‌آوری اندلسی‌ها به خمر و اقتران شعر خمر به طبیعت یا به طبیعت و عشق در اشعار آنان (بند آخر ص ۲۹۳)، اشاره به نسب ایرانی ابن حزم و استشهاد به بیت شعری از وی در اثبات این مطلب (ص ۴۹۴) و موارد بسیاری که حجم این مقال اجازة ذکر همه آن‌ها را نمی‌دهد از دیگر نوآوری‌های این اثر به‌شمار می‌آید که در کنار جنبه آموزشی بعد پژوهشی و ارزش علمی آن را تقویت می‌کند.

ارائه حجم زیادی از اطلاعات، استدلال‌ها، تجزیه و تحلیل‌ها، رد یا پذیرش آرای دیگر صاحب‌نظران و مقایسه‌های خوبی که در این کتاب آمده و نیز اشاره به برخی از مباحث و موضوعات جدید کتاب را متناسب با نیازهای عصر قرار داده و سبب شده است که این اثر از یک‌نواختی و سیره‌نویسی محض، که گریبان‌گیر برخی از کتاب‌های تاریخ ادبیات شده، به‌دور باشد و زمینه انجام پژوهش‌های بعدی را فراهم کند.

۵.۴.۲ میزان انطباق محتوای اثر با عنوان و فهرست

روی جلد کتاب در ابتدا و به‌صورت عمودی «تاریخ الأدب العربی» پس از آن «عصر الدّول والإمارات»، که کلمه «عصر» نیز بالاتر از «الدّول والإمارات» قرار گرفته، و سرانجام «الأندلس» آمده است. روی جلد برخی دیگر از آثار مؤلف نیز چنین عنوان‌هایی دارد. مثلاً برای عصر جاهلی *تاریخ الأدب العربی: العصر الجاهلی* و برای عصر عباسی دو کتاب با عنوان‌های *تاریخ الأدب العربی: العصر العباسی الأوّل* و *تاریخ الأدب العربی: العصر العباسی الثّانی* و برای کتاب‌های بعدی *تاریخ الأدب العربی، عصر الدّول والإمارات: الجزیره العربیّه - العراق - ایران* و دیگری *تاریخ الأدب العربی، عصر الدّول والإمارات: مصر - الشّام؛ یعنی «تاریخ الأدب العربی»* اسم مجموعه کتاب‌های مؤلف در زمینه تاریخ ادبیات عربی است. «عصر الدّول والإمارات» اسم زیرمجموعه و «الأندلس» اسم جزئی‌تر و مختصّ به این کتاب است. با این توضیحات، آمدن عنوان اول و دوم با هم «تاریخ الأدب العربی: عصر الدّول والإمارات» یا آمدن عنوان

دوم و سوم با هم «عصر الذّول والإمارات: الأندلس» یا ذکر عنوان سوم به‌تنهایی «الأندلس» نمی‌تواند نشان‌دهنده تاریخ ادبیات عربی در اندلس باشد. بنابراین، هر سه عنوان به‌هم‌راه هم «تاریخ الأدب العربی، عصر الذّول والإمارات: الأندلس»، بیان‌گر مطالب اثر (تاریخ ادبیات عربی در اندلس) است و باهم آمدن هر سه عنوان طولانی و از کلی به جزئی است. به‌هرحال، عنوان پیش‌نهادی کوتاه و جزئی این کتاب «تاریخ الأدب العربی فی الأندلس» می‌تواند باشد.

از طرف دیگر، با توجه به این‌که عنوان روی جلد کتاب از کلی به جزئی است، اگر مبحث یا مباحثی مقدماتی به‌صورت خاص و روشن به تاریخ ادبیات عربی و پس از آن به دول و امارات اختصاص یافته بود و در آن به زمینه‌ها و عوامل پیدایش تاریخ ادبیات اندلس و ارتباط آن با ادبیات عربی در شرق پرداخته می‌شد، طبعاً انطباق بیش‌تری بین عنوان کتاب و محتوای آن برقرار می‌شد.

نکته دیگر این‌که، با مراجعه به فهرست مطالب کتاب درمی‌یابیم که فصل اول با سیاست و جامعه شروع می‌شود، در فصل دوم بحث فرهنگ پیش می‌آید، فصل سوم و چهارم به شعر و شاعران اختصاص دارد و فصل آخر مشتمل بر جایگاه نثر و نویسندگان است. پرداختن به سیاست و اجتماع، قبل از پرداختن به مقوله‌های فرهنگ و ادب، کاری به‌جا و درخورستایش است؛ زیرا فرهنگ و ادبیات به‌شدت متأثر از سیاست و اجتماع است و این زمینه‌ها و عوامل سیاسی و اجتماعی است که موجب پیدایش و رشد یا رکود فرهنگ و ادبیات می‌شود. از سوی دیگر، با توجه به رشد زیاد شعر و شاعران در اندلس در مقایسه با نثر و نویسندگان طبیعی است که دو فصل کتاب، آن هم قبل از پرداختن به نثر، به شعر اختصاص یافته باشد. به‌هرحال، محتوای اثر با عنوان و فهرست آن، جز در موارد گفته‌شده، منطبق است.

۶.۴.۲ میزان مطابقت اثر با سرفصل‌های مصوب

۱. مقطع دکتری درس ادب اندلس: هدف از این درس بررسی اوضاع سیاسی، اجتماعی، و ادبی اندلس و مطالعه و بررسی آثار شاعران و نویسندگان این سرزمین است. بنابراین، کتاب حاضر، که به بررسی اوضاع سیاسی، اجتماعی، و ادبی اندلس پرداخته و دارای شواهد شعری و نثری متعددی از شاعران و نویسندگان این دوره و تجزیه و تحلیل این شواهد است، با هدف و سرفصل درس موردنظر مطابقت دارد و می‌تواند منبع اصلی و مفیدی برای این درس باشد؛

۲. مقطع دکتری درس تحلیل و نقد نظم و نثر از آغاز تا پایان دوره عباسی: هدف از این درس آشنایی، مطالعه، و نقد نظم و نثر این دوره است و در قسمتی از سرفصل آن مقایسه شعر اندلسی و شعر عباسی، ابن شهید، ابن حمدیس صِقلی، ابن سهل اسرائیلی، لسان‌الدین بن خطیب، و... آمده است. بر این اساس، این کتاب که دارای شواهد شعری و نثری متعددی از آثار این شاعران و نویسندگان است و این شواهد را تجزیه و تحلیل کرده و در آن مقایسه‌های خوبی بین ادبیات اندلس و ادبیات عباسی انجام داده است، با بخش‌هایی از اهداف و سرفصل این درس تناسب دارد و یکی از منابع فرعی این درس به حساب می‌آید؛

۳. مقطع کارشناسی ارشد درس تاریخ ادبیات از سقوط بغداد تا دوره معاصر: هدف از این درس بررسی اوضاع سیاسی، اجتماعی، و ادبی و آشنایی با سبک‌های مختلف شعر و نثر این دوره است. در سرفصل دروس آن نیز دولت بنی‌احمر آمده است. بنابراین، محتوای این کتاب با بخش‌هایی از اهداف و سرفصل این درس متناسب است و می‌تواند منبع فرعی برای این درس باشد؛

۴. مقطع کارشناسی ارشد درس متون نظم و نثر از سقوط بغداد تا دوره معاصر: هدف از این درس آشنایی با آثار منظوم و مثنوی از سقوط بغداد تا دوره معاصر است و بخش‌هایی از سرفصل دروس آن نیز شامل ادبیات عربی در اندلس می‌شود، هم‌چنان‌که به صورت صریح در سرفصل ذکر شده است. بر این اساس، مطالب کتاب حاضر می‌تواند با بخشی از اهداف و سرفصل این درس تناسب داشته باشد؛

۵. مقطع کارشناسی درس تاریخ ادبیات عباسی ۲ و اندلس: آشنایی با ادبیات اندلس و شناخت شاعران و نویسندگان این سرزمین بخشی از اهداف این درس است. برپایه این نکته و نیز با توجه به این‌که در بخش منابع این درس کتاب *تاریخ الأدب العربی: العصر العباسی الثانی* از همین مؤلف به عنوان منبع اصلی معرفی شده است. بنابراین، محتوای کتاب حاضر متناسب با بخش دوم این درس یعنی اندلس است و می‌تواند دومین منبع اصلی برای این بخش معرفی شود؛

۶. مقطع کارشناسی درس متون نظم و نثر دوره اندلس: هدف از این درس شناخت متون نظم و نثر اندلس و تحلیل و بررسی سبک این متون است. سرفصل آن نیز شامل گزیده‌ای از متون نظم و نثر این دوره است. بر این اساس، کتاب حاضر، که شواهد شعری و نثری متعددی و تجزیه و تحلیل‌های خوبی نیز دارد، با سرفصل درس مذکور مطابقت دارد و استاد می‌تواند بخش‌هایی از آن را انتخاب کند و به تدریس آن بپردازد.

۷.۴.۲ چگونگی بهره‌گیری از ابزارهای علمی

این کتاب مقدمه‌ای کلی در هشت صفحه دارد. این مقدمه موجب می‌شود که مخاطب برای خواندن و درک مطالب کتاب آماده شود. فصل اول کتاب با پرداختن به مباحث سیاسی و اجتماعی و فصل دوم آن با تبیین مباحث فرهنگی مقدمه‌ای برای ورود و بررسی مباحث ادبی به حساب می‌آیند. آشنایی با سیاست، اجتماع، و فرهنگ قبل از پرداختن به ادبیات، یک دوره ذهن خواننده را برای درک بهتر ادبیات آن دوره آماده می‌کند. علاوه‌براین، مؤلف وقتی درباره یک شاعر یا نویسنده سخن می‌گوید از مباحث مقدماتی شروع می‌کند و به مطالبی از جمله اسم، کنیه، لقب، اصل و نسب، مولد، تحصیلات، و به‌طورکلی به معرفی وی می‌پردازد. پس از آن، به ادب وی و تجزیه و تحلیل شواهدی از آثار او اقدام می‌کند؛ مانند «ص ۱۸۸-۱۹۰» درباره «ابن عبد ربّه»، «ص ۲۰۷-۲۱۰» درباره «ابن زمرک»، و «ص ۴۱۷-۴۲۲» درباره «لسان الدّین بن الخطیب».

کتاب مذکور ابزارهایی هم‌چون فهرست تفصیلی مطالب، تمرین، آزمون، جدول، تصویر، نمودار، نقشه، نتیجه‌گیری و پیش‌نهادها، نمایه اعلام، آیات، روایات، واژه‌نامه، اشعار، و نیز فهرست منابع پایانی ندارد، اما یک خاتمه دارد که از طریق آن خواننده با مباحث کتاب آشنا می‌شود هرچند که مطالب آن به‌نوعی تکرار مطالب مقدمه کتاب است. استفاده از پانویس نیز از ابزارهای لازم در این کتاب است که در آن به شرح برخی از واژه‌های دشوار متن، معرفی منابع، و بیان برخی از نکات تکمیلی اقدام می‌شود. در آخر کتاب، فهرست اجمالی مطالب آمده که بیان‌گر محتوای کتاب و فصول پنج‌گانه آن است.

۸.۴.۲ میزان کاربرد و معادل‌سازی اصطلاحات تخصصی

به‌طورکلی، خواندن و فهم این اثر برای مخاطب تخصصی آن، که شامل دانشجویان به‌ویژه دانشجویان تحصیلات تکمیلی، پژوهش‌گران، و استادان دانشگاه است، کار خیلی دشواری نیست؛ زیرا مؤلف انشایی شیوا، فصیح، و بلیغ دارد. با بررسی این اثر درمی‌یابیم که کلمات و اصطلاحات تخصصی متعددی در آن آمده است. مؤلف برخی از این موارد را بلافاصله پس از ذکر آن‌ها در متن کتاب شرح می‌دهد (سطر ۶ بند ۲ ص ۲۴، سطر ۲ ص ۲۶، بند ۳ ص ۱۴۶ در تعریف موشحات، سطر ۹ ص ۳۱۶، سطرهای ۱۳-۱۵ از مطالب زیرعنوان ص ۳۷۶ در تعریف البدیعیات، سطر ۱ ص ۴۸۱)، برخی دیگر را در پانویس توضیح

می‌دهد (پانویشت‌های ص ۳۸۲، ۳۸۴، ۵۰۲-۵۰۳)، و معادل لاتین برخی از اسامی را پس از ذکر آن‌ها می‌آورد (ص ۱۶). با وجود این، هنوز برخی از اعلام ذکر شده که برای آن‌ها معادل لاتین ذکر نشده است (سطرهای ۱-۳ و ۵-۸ ص ۶۰، سطر ۱ ص ۸۳، بند ۲ ص ۸۸، بند آخر ص ۳۷۹). از طرف دیگر، مؤلف به شرح و توضیح شواهد شعری و نثری موجود در کتاب و تبیین اصطلاحات تخصصی این شواهد اقدام می‌کند.

۹.۴.۲ رویکرد اثر به فرهنگ اسلامی

این اثر درباره‌ی اندلس است که بخشی از سرزمین‌های اسلامی است. در قرن‌های گذشته، مسلمانان پایه‌های فرهنگ و تمدن اسلامی را در اندلس بنا نهادند که هنوز هم آثاری از آن باقی است. یکی از محققان در بحث الگوپذیری اروپا از اندلس بر این نظر است که این سرزمین و تمدن آن با داشتن زبان عربی و یک دین انسانی با ویژگی تسامح و تساهل بزرگ‌ترین نقطه‌ی درخشش تمدن درمقابل چشمان اروپا بوده است (میسوم ۱۹۸۱: ۱۰۷). شوقی ضیف در کتاب خود کوشیده است به سیاست، اجتماع، فرهنگ، و ادبیات عربی در اندلس بپردازد و به ذکر شواهد تاریخی، شعری، و نثری و تجزیه و تحلیل این شواهد اقدام کند. درک و فهم فضای سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، و ادبی آن زمان و شناخت اسباب و علل رشد و رکود مسلمانان در این زمینه از نیازهای امروز جامعه‌ی اسلامی است. مسلمانان قرن بیست و یکم برای ساختن تمدن نوین اسلامی ناچارند زمینه‌ها و اسباب رشد و رکود پیشینیان خود را بشناسند و با نگاه به گذشته موقعیت خود را در دنیای معاصر مشخص کنند و در جهت تثبیت و رشد این منزلت و موقعیت کوشا باشند. بنابراین، بی‌توجهی به میراث گذشته و به فراموشی سپردن تمدن باشکوه مسلمانان در اندلس و اسباب و علل رشد و افول آن به هیچ‌وجه به صلاح مسلمانان نیست و زیان‌های جبران‌ناپذیری به دنبال خواهد داشت. به هر حال، رویکرد این اثر به فرهنگ اسلامی مثبت است و تلاش کرده پاسخ‌گوی نیازهای علمی یا کاربردی مطرح در فضای جامعه‌ی اسلامی امروز باشد.

۳. نتیجه‌گیری

- این اثر بیان‌گر توان‌مندی مؤلف و اشراف وی بر مسائل تاریخ ادبیات عربی در دوره‌های گوناگون به‌ویژه تاریخ ادبیات اندلس است؛

- کتاب انشایی شیوا، فصیح، و بلیغ دارد و بسیاری از تعبیرات و اصطلاحات ادبی را در بر دارد که در خلال آموزش تاریخ ادبیات مخاطب را با این تعبیرات جالب و جذاب در زبان و ادبیات عربی آشنا می‌کند. این امر کتاب حاضر را علاوه بر تاریخ ادبیات اندلس به منبعی در زمینه نگارش و نویسندگی تبدیل کرده است؛
- نویسنده در مسیر نگارش تاریخ ادبیات با داشتن یک طرح و نقشه راه به مسائل مقدماتی، عوامل و زمینه‌های سیاسی، اجتماعی، و فرهنگی در پیدایش و رشد ادبیات اندلس آن هم در چهارچوب تاریخی اهتمام می‌ورزد؛
- مؤلف در این اثر حجم زیادی از اطلاعات و معلومات را درباره تمدن و فرهنگ اسلامی و ادبیات عربی در اندلس ارائه داده است؛
- این اثر از تجزیه و تحلیل‌های خوب و باارزش و نظرهای ناقدانه مؤلف در پرداختن به مسائل ادبی و دوری از نقل صرف آرای دیگران برخوردار است؛
- شوقی ضیف در ادامه تحلیل شخصیت ادبی شاعر یا نویسنده شواهد شعری و نثری بسیاری را ذکر می‌کند و در کنار این شواهد شرح‌ها و توضیحات خوب و ارزنده‌ای را می‌آورد که این امر کتاب تاریخ ادبیات اندلس را به منبعی در زمینه متون نظم و نثر اندلس تبدیل کرده است؛
- نویسنده به آوردن برخی از مقایسه‌ها بین اندلسی‌ها و سایر شخصیت‌های ادب عربی و حتی غیرعربی و بیان زمینه‌های اثرپذیری و اثرگذاری و ذکر وجوه تشابه و تفاوت در بین آنان اقدام می‌کند؛
- پژوهش‌گر در کتاب خود بسیاری از نکات جالب و جذاب را آورده که باعث ایجاد انگیزه و رغبت در خواندن مطالب کتاب و پی‌گیری مباحث آن از سوی مخاطب می‌شود. این نکات، علاوه بر جنبه آموزشی، زمینه انجام گرفتن پژوهش‌های بعدی را می‌تواند فراهم کند؛
- در این کتاب، برخی از مطالب جدید ذکر شده که کتاب را متناسب با نیازهای عصر قرار داده و سبب شده است که این اثر از سیره‌نویسی محض، که گریبان‌گیر برخی از کتاب‌های تاریخ ادبیات شده، به دور باشد؛
- اثر حاضر برای دروس گوناگون دانشگاهی در مقاطع کارشناسی، کارشناسی ارشد، و دکتری زبان و ادبیات عربی کاربرد آموزشی دارد؛ هرچند که کاربرد پژوهشی آن به‌مثابه منبعی برای تاریخ ادبیات عربی در اندلس بر کسی پوشیده نیست؛

- نویسنده در نگارش این کتاب سعی کرده است از منابع اصلی و دست‌اول قدیمی و مراجع جدید برای بررسی تمام جوانب یک موضوع به دو شیوه نقل مستقیم و نقل غیرمستقیم بهره ببرد؛
- در کنار این مزیت‌ها، کتاب حاضر از فهرست اعلام، آیات، احادیث، اشعار، کتاب‌شناسی، واژه‌نامه، و فهرست منابع پایانی خالی است؛
- در این کتاب برخی از نارسایی‌ها، ناهماهنگی‌ها، و ایرادات نگارشی، ویرایشی، و محتوایی دیده می‌شود که رفع این موارد بر ارزش و اعتبار آن می‌افزاید.^۵

پی‌نوشت‌ها

۱. عشق عذری: این نوع از عشق در بیابان رواج داشته و بر وفا، یأس، و اندوه در مسیر عشق تکیه داشته است. غالباً این عشق ناکام مانده و به وصال دست نیافته است. ویژگی‌های عشق عذری عبارت است از شکوا، اشتیاق، پاک‌دامنی، وفا، هیجان، هجران، و... این عشق عفیف و خالص منسوب به بنی‌عذره است؛ زیرا مردان آنان در این عشق معروف شده‌اند. از مهم‌ترین شاعران بنی‌عذره، قیس بن ذریح، قیس بن الملوّح یا همان مجنون لیلی و کثیر بن عبدالرحمن است که همگی طی تاریخ به معشوقه‌هایشان شهرت یافته‌اند (التونجی ۱۹۹۹: ج ۱، ۳۴۵).
۲. رمان دُن کیشوت اثر سروانتس (Cervantes) (نویسنده و شاعر اسپانیایی ۱۵۴۷-۱۶۱۷م) در خلال سال‌های ۱۶۰۵ تا ۱۶۱۵ م منتشر شده است (میرصادقی ۱۳۹۲: ۲۳).
۳. تروبادور: شاعران قرون وسطی در اروپا بودند که ابتدا در اواخر قرن یازدهم میلادی در فرانسه سپس در کل اروپا ظهور یافتند. شاعران تروبادور در دربار پادشاهان و امیران می‌زیستند و درباره عشق شعر می‌سرودند (بھی ۱۹۹۶: ۱۲۵). برخی از پژوهش‌گران بر این نظرند که واژه تروبادور از «دور طرب» گرفته شده، سپس صفت قبل از موصوف قرار گرفته و به صورت «طرب دور» گفته شده است (سلوم ۲۰۰۳: ۳۴۷).
۴. «شخصیت اصلی در روایت پیکارسک معمولاً آدمی بی‌هویت، آواره، و باهوش و درعین حال زیرک است که شخصیت‌اش به‌ندرت دست‌خوش تغییر می‌شود. موضوع پیکارسک بر محور گریزها و ماجراهای زندگی چنین شخصیتی دور می‌زند» (داد ۱۳۸۵: ۲۵۳).
۵. پرواضح است که نمی‌توان انتظار داشت کتابی که نزدیک به ۳۰ سال پیش نویسنده‌ای عرب‌زبان در مصر آن نوشته شده، با تمام معیارهای شکلی و محتوایی تألیف در کشور ما کاملاً منطبق باشد. هرچند بسیاری از این معیارها جهانی است، بخشی از آن طی این سال‌ها تغییر کرده و جدید شده است.

کتاب‌نامه

- بهی، عصام (۱۹۹۶)، *طلائع المقارنه فی الأدب العربی الحدیث*، القاهرة: دار النشر للجامعات.
- التونجی، محمد (۱۹۹۹)، *المعجم المفصل فی الأدب*، ج ۱، القاهرة: دار الکتب العلمیه.
- داد، سیمما (۱۳۸۵)، *فرهنگ اصطلاحات ادبی*، تهران: مروارید.
- سرفصل بازنگاری شده رشته زبان و ادبیات عربی در دانشگاه‌ها (۱۳۸۹)، شورای برنامه‌ریزی آموزش عالی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.
- سرفصل دروس دوره دکتری رشته زبان و ادبیات عرب در دانشگاه‌ها (۱۳۶۵)، شورای برنامه‌ریزی آموزش عالی وزارت فرهنگ و آموزش عالی.
- سرفصل دروس دوره کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات عرب در دانشگاه‌ها (۱۳۶۵)، شورای برنامه‌ریزی آموزش عالی وزارت فرهنگ و آموزش عالی.
- سلوم، داود (۲۰۰۳)، *الأدب المقارن*، القاهرة: مؤسسه المختار.
- ضیف، شوقی (۱۹۸۹)، *تاریخ الأدب العربی*، *عصر الدول والإمارات: الأندلس*، القاهرة: دار المعارف.
- العانی، سامی مکی (۱۴۲۷)، «الذکری السنویة الأولى لرحیل آخر العلماء الموسوعیین الأستاذ الدكتور شوقی ضیف»، *مجلة المجمع العلمی العراقی*، العدد ۱۱۹.
- میرصادقی، جمال (۱۳۹۲)، *ادبیات داستانی*، تهران: سخن.
- میسوم، عبدالله (۱۹۸۱)، *تأثیر الموشحات فی التروبادور*، الجزائر: الشركة الوطنیه للنشر والتوزیع.